

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره چهارم - تیر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۰

معرفی نسخه خطی کلیات طالب علی خان لکهنوی متخلص به عیشی "باگذر

از سبک غزلیات وی

(ص ۶۵-۸۵)

زیبا فلاحی^۲، مهرداد چترایی (مدیر مسئول)،^۳ مریم محمودی^۴

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تیر ۱۳۹۸

چکیده:

طالب علی خان لکهنوی (۱۲۳۲ق) متخلص به عیشی از شاعران و نویسندگان شبه قاره است، که به دو زبان فارسی و هندی شعر گفته است. کلیات دیوان وی تا کنون در زبان فارسی دست نخورده باقی مانده است و حاوی ۶۴۳۵ بیت شامل قصاید، مثنوی‌های بزمی، رباعی، دوبیتی و انواع دیگر ادبی است. عیشی با سرودن ۲۰۳ غزل فارسی در ۱۵۹۳ بیت و ۱۳۳ غزل در بحرهای سبک ساز رمل و هزج؛ بایدمانند غالب دهلوی و کلیم کاشانی؛ شاعر سبک هندی خوانده می‌شد اما؛ با پژوهش دقیق و استخراج اوزان به شیوه تحلیلی-توصیفی به نتایج متفاوت دست یافته‌ایم. قرن سیزدهم دوره بازگشت ادبیست. اینگفتار؛ ضمن معرفی نسخه؛ نخستین بار؛ بسبب غزلیات؛ مختصات لغوی، ادبی و فکری وی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد طالب علی خان از نظر بلاغت ادبی توجهی افراطی به صنعت تشبیه از نوع بلیغ دارد؛ از نظر لغوی الفاظ میخانه‌ای و اصطلاحات صوفیانه را برای معانی بلندبکار گرفته؛ نسبت به ادبیات و فرهنگ ایران باستان هرچند در یک غزل؛ علاقه نشان داده است. در فضای اندیشه حافظ شیراز؛ وزبان عارفانه صائب بال و پر گشوده است. ذهنی فلسفی و تقدیری دارد. حزن در جهان تفکر وی بنیادی هستی‌شنا سانه ست. غزل وی ادامه سبک هندی و گاهی در وزن شعر؛ اوج موسیقی آوایی حافظ شیراز در تمایل به سبک بازگشت را تجربه نموده است.

کلید واژه: طالبعلی خان عیشی، کلیات دیوان، سبک غزل، موسیقی

^۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

^۲- دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد دهقان. دهقان-ایران.

(adab_111@yahoo.com)

^۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد-ایران. (M.chatraei@yahoo.com)

^۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی واحد دهقان. دهقان-ایران (m.mahmoodi75@yahoo.com)

"The introduction of manuscript Of General Divan of Taleb Ali Khan Lakhanoei, called Eishi with the passage of his lyrics style"

Ziba Fallahi¹, M. Chatraei (corresponding Author), Maryam Mahmoodi²

Abstract:

Taleb Ali Khan Lakhanoei called Eishi is a member of the poets and writers of the style of the return of the subcontinent who has spoken poetry in both Persian and Hindi. His general Divan remains intact in Farsi and contains 6435 verses of poetry including elegies, festive masnavi, quatrains and other literary forms. Eishi with the synthesis of 203 Persian lyrics in 1593 verses and 133 lyrics in the styling poetical metre of Ramal and Hazaj, he should have called to be like the dominant philosopher Ghaleb Dehlavi and Kalim Kashani; but with detailed research and extraction of poetical metres in analytical-descriptive ways we have achieved different results. The thirteenth century is the period of literary return. This article, in addition to the introduction of this version; for the first time; in lyrics style; examined his lyric poetry, lexical, literary and intellectual qualities. The results of this research show that Taleb Ali Khan, from the viewpoint of literary rhetoric, has a radical interest in the simile industry specially eloquent analogy, from the point of view of the words, the words of the tavern words and Sufi terms are taken for the long meanings; He has been interested in ancient Iranian literature and culture, though in a ghazal. In Hafez's thought and Saeb's mystical wisdom he is grown. He has a philosophical and deductive mind. Sorrow in his world of thinking, is the cosmological foundation. His lyrics have continued the Indian tradition and in the weight of poetry, are sometimes experience the peak of the music of Hafez Shiraz in the tendency to return style.

Keywords: Taleb Ali Khan Eishi, General Divan, lyrics style, and Styl Mystical sonnets.

¹ - PhD Student, Persian Language and Literature Islamic Azad University, IRAN, Dehaqan. (adab_111@yahoo.com)

² - Assistant Professor, Persian Language and Literature Islamic Azad University Najaf Abad Branch, Najaf Abad-IRAN. (m_chatraei@yahoo.com)

³ - Associate Professor Persian Language and Literature Dehaqan Branch, Dehaqan- IRAN. (m.mahmoodi75@yahoo.com)

۱- مقدمه (معرفی نسخه):

کلیات طالب علی لکهنوی متخلص به عیشی یکی از نسخ ناشناخته ست؛ که بزبان فارسی و متعلق به ادب شیعی نیمه اول سنه ی سیزده (ق ۱۲۳۲) است. بر روی جلد اطلاعاتی جز نام نویسنده و قرن نگارش، هیچ نشانه ای وجود ندارد. با مطالعه دیوان پی بردیم به خط نستعلیق شکسته و بعضی صفحات به خط تحریر نزدیک به تعلیق نگارش یافته است. به دلیل نداشتن علائم سجاوندی و نزدیک بودن فاصله خطوط؛ خوانش متن بسیار دشوار گردیده است. در بخش اشعار هر صفحه ۱۳ بیت و بعضاً ۱۲ بیت گنجانده شده است؛ در برخی صفحات افتادگی یک بیت کاملاً مشهود است. جوهر (نوع مرکب) گرافوت چینی؛ نوع قلم غبار و بسیار نازک بوده؛ نشان جوهر ریخته گی در بعضی صفحات مشاهده میگردد. قطع قلم مرتب تغییر می کرده است. نوع کاغذ "گراور چینی" است. ظهیر جلد، خط کشی (شطرنجی مقوایی) و عطف ساده و بدون نوشته ست. تاحشی و ترقیم جز غلطنویسی درون متن ندارد. ابعاد دیوان خشتی و از هر سو حاشیه حدود ۱۰ سانت تا متن اصلی؛ داخل گرفته اند. برای جلوگیری از خوردن موربانه و اینکه برای یاد داشت نیز استفاده می کرده اند. که با تقریر متن ملاحظه گردید تنها ۳ صفحه میانه های صفحه به سمت بیرون؛ سه یادداشت از کاتب یا مؤلف؟؟ وجود دارد. کل دیوان ۳۵۴ برگ و ۷۰۸ صفحه (رحلی) است. تعداد ابیات دیوان ۶۴۳۵ بیت شامل قصاید؛ ترکیب بند (۸۴ بیتی و ۱۴۲ بیتی) مثنویها ی بزمی؛ غزلیات؛ رباعیات (۲۰)؛ انواع ادبی مدح و توصیف صحنه های شکار؛ جنگ نامه ها و رقعہ یا نامه نگاریهای عاشق به معشوق است. مضامین اشعار و حکایات؛ حکمت؛ معرفت؛ سلوک و عرفان است: (خدایا سینه ام را بخش داغی / در این ویرانه روشن کن چراغی ص ۱۵۷) تحمیدیه ها (مدح رسول اکرم؛ مولا علی علیه السلام، امام زین العابدین، امام باقر؛ موسی کاظم و... آغاز کلیات است. فاتحه ی کتاب با عنوان خطبه دیوان: "غازه" رخساره شاهد معانی حمد صورت آفرینتی که نقش عالم ایجاد بسته قدرت ابداع او ست. "و طرح طلسم نشاء کون و فساد ریخته حکمت نقرآء؟؟ او....." ست. در هوای مطرب و ساقی فراوان شعر و غزل سروده (بیا ساقی ببار آب جگر تاب... ص ۱۹۲)؛ آوردن غزلیات ۱ بیتی؛ ۲ بیتی و ۳ بیتی؛ در صفحه ۱۵ با آوردن بیتی از کمال خجندی خود و دیگران را از خطر سرقت و انتحال بر حذر میدارد. صفحه ۵۲۹ تا ۵۳۳ پس از ذکر ممدوح ملک الرقاب ابوالمظفر شاه زمین، پادشاه غازی از طبع رسای فردی به نام سید محمد صادق المتخلص به جُرگه سخن گفته که عیشی را در نگارش این نسخه سال (۱۲۳۷) مدح نموده است. ممدوحان وی از جمله رستم الملک؛ محمد آفرین علیخان؛ میرزا محمد صاحب و... هستند. در این مقاله تنها به سبک غزلیات عیشی پرداخته ایم.

۲- معرفی طالب علی لکنوی

عیشی لکنویی، میان طالب علیخان، فرزند میان علی بخش لکنو (۱۱۹۳ق - ۱۲۴۰ق) شاعر و نویسنده شبه قاره است. پدرش از موالی الماس علیخان، خواجه سرای بارگاه آصف الدوله بهادر بود. عیشی بفارسی و هندی شعر میسرود و در نثرنویسی نیز مهارت داشت. وی شاگرد میرزا محمد حسن قتیل لاهوری (۱۲۳۳ق) و قتیل به هنگام مرگ او را جانشین خود در شعرگویی معرفی کرده بود. نمونه‌ای از اشعار عیشی در "صبح گلشن"، "خوش معرکه زیبا" و ریاض الفصحا آمده است. عیشی همانگونه که از قصاید و تحمیدیه هایش بر می آید، شیعه اثنی عشریست. عیشی در ۳۵ سالگی "دیوان اردو" و "کلیات فارسی" را سروده است. به گفته استادان زبان "اردو" عیشی ترکیبهای زیاد فارسی بکار برده است، اما ذره‌ای در فصاحت اردو تفاوتی ایجاد نکرده است. (ر.ک: مقاله طالب علی عیشی، سید محمود حسن قیصر آمروهوی ۰ صفحات ۳۸۰-۳۸۹) آنچه در سبب سرودن شعر و غزل فارسی از عیشی میتوان شنید خلاصه‌اش این است که گفته است: "من شعرگویی را به اردو شروع کردم، بعد وقتی اشعار اردویم خیلی مقبول شدند، شروع کردم به شعرگویی به فارسی. اما تا مدت‌ها این اوراق پراکنده بودند و به همین خاطر، بیشترشان از بین رفتند. بالاخره در ۱۲۳۲ هجری، در حالی که ۳۵ سال داشتم، یکی از دوستانم - مرزا محمد علی - به این امر توجه کرد و در نهایت زحمت و جانفشانی شعرهای فارسییم را جمع‌آوری کرد." (خواجه عبدالرؤف، همان). در وفات عیشی؛ مؤلف «صبح گلشن» نوشته است که "عیشی به دلیل بیماری طاعون در ۱۲۴۰ هجری درگذشت و چهار ساعت بعد همسرش هم از دنیا رفت. مؤلف «آب بقا» نوشته است که او در ۱۲۶۰ هجری درگذشته است. اما این درست نیست. چون از هیچ منبعی، حیات عیشی تا ۱۲۶۰ هجری در دست نیست. ممکن است که خطای کاتب بوده باشد. (سید محمود حسن قیصر آمروهوی، مجله «معارف»، ۲۶۱-۲۷۳). سید محمود حسن قیصر آمروهوی در مقاله خود؛ نوشته است: "نویسنده کتاب «آب بقا» به صراحت او را از شاعران دربار سعادت علیخان نوشته است. زادروز او معلوم نیست. فقط مصحفی در تذکره‌اش: «ریاض الفصحا» این قدر نوشته است: «عمرش تخمیناً از سی متجاوز خواهد بود». تاریخ اختتام «ریاض الفصحا» ۱۲۳۶ هجری است. پس معلوم می‌شود که عیشی حدود ۳۰ سال داشته است. البته خود عیشی هم در مقدمه کلیات فارسی آورده است: "در این ایام فرخنده انجام که از هجره مقدمه نبویه یک هزار و دو صد و سی و دو سال گذشته و پیک سبک تک عمرم از منزل زندگانی به پای هستی سی و پنج مرحله در نوشته است." از این جمله معلوم میشود که در ۱۲۳۲ هجری، عمر عیشی ۳۵ سال بوده است و با این حساب، زادروز او ۱۱۹۷ بوده است. از کودکی به شعرگویی علاقه داشت و به اردو و فارسی شعر میسرود. در ۳۵ سالگی «دیوان اردو» و

«کلیات فارسی» نوشته بود. از ذکر تحمیدیه‌ها و مناقب اهل بیت و بسیاری از ائمه اطهار (علیه السلام) میتوان دانست که طالب علی خان (عیشی)، شاعری متدین و در مذهب شیعه اثنی عشری، با مشرب عرفانیست.

۳- آثار شاعر: عیشی از نویسندگان دربار است اما جز بضرورت هدایت خلق الله سخن نرانده و دل نیالوده است. کلیات دیوان وی حجم بزرگی از انواع شعر و نثر مزین به الفاظ سترگ معنوی ست. اما آنچه تا کنون از این نویسنده باقی مانده عبارت اند از:

۱-۳- نسخه ها: از دیوان عیشی در تذکره ها و منابع و فهرست واره ها **۶ نسخه** روی هم نام برده شده است: علاوه بر نسخه جاری، **نسخه ای** از این کلیات به شماره ۳ ق ف ۹۶ در **کتابخانه انجمن ترقی اردو**، نگه داری میشود. **نسخه ای** از دیوان عیشی نیز به شماره ۱۸۹ در **کتابخانه آصفیه** نگهداری می شود. (۱۷۶۲/۴ (نسخه)، **مشترک** ۳۳۲۱/۸ عیشی لکهنوی دیوان"، عیشی لکهنوی، اعلام ۴۰۷۱/۲ عیشی لکهنوی. **آسیاتیک سوسایتی** ش ۱۱۱ منظوم (۳۳۴). **نوشاهی**، موزه ۱۳۶ ش ۳ ق ف ۶۹۱ "دیوان" او "کلیات" **سرافراز انجمن ۶۷** کلیات عیشی "نسخه" اصل کلیات حاضر ثبت از مجلس سنا (شورای اسلامی) حاضر است. **بهرام گور و پدماوت:** از عیشی و رازی (د. ۱۲۴۰ هجری / ۵-۱۸۲۴) ابن علی بخش خان شاگرد قتیل لاهوری (د. ۱۲۳۳ هجری / ۱۸۱۸ م). نسخه ۲۷۸۷۵- بنگال، ایشیاتک ۱۱۱ منظوم (۴۳۳): شکسته، آغاز و انجام افتاده (ف. بنگال: ۹۸).

۲-۳- دیگر آثار: **مدایح و قطعات** (ص ۲-۲۵). **و صف شکار:** مثنوی در شکار نواب سعادت علیخان آغاز: بیا خامه کز یاریت همچو شیر / در آیم به میدان معنی دلیر (ص ۲۸-۳۳). **جنگ فیلان:** مثنوی آغاز: دم صبح چون پیل بان فلک / ز خود در کف آورد زرین کجک (ص ۳۳-۴۰). علاوه بر آثار مذکور، در تذکره ها و کتب تراجم احوال و نیز فهرست نسخه های خطی، آثاری همچون: چهار دو ست که مثنویست در داستان نجار، خیاط، زرگر و عابد که با یکدیگر دو ست بودند. آغاز: خداوند بیانم را اثر بخش-زبانم رانم از آب گهر بخش (ص ۴۱-۵۳).، **جنگ نامه رستم الملک** در رویداد جنگ رستم الملک که سراینده ستایشگر او بوده است. آغاز: بنام خداوند پست و بلند - پدید آمد پیل چرخ نژند (ص ۷۷-۹۹).، **مثنوی اخلاقی.** آغاز: خداوندگارا، جهان پرورا- سوی خویش بنمای راهی مرا (ص ۹۱-۱۰۱) و از (ص ۱۰۲-۱۳۳) مثنوی های کوتاه تر. **مثنوی بزمی:** آغاز: بنام رنگ بخش عارض گل - اثر پیرایه ساز آه بلبل (ص ۷۷-۹۱)، از جمله آثار شاعر است.

۴- پیشینه پژوهش

کلیات دیوان طالب علی عیشی تاکنون ناشناخته مانده؛ هیچ تحقیق، مقاله یا سند مکتوب و شفاهی فارسی؛ چیزی از آن یافت نشده است. اما به زبان "اردو" گفتاری کوتاه با عنوان "طالب علی عیشی" متعلق به سید محمود حسن قیصر آمروهوری (کتابخانه ر ضا، رامپور، هندوستان) در مجله «معارف»، دارالمصنفین، شهر اعظم گر، هندوستان، در دو بخش؛ بخش اول؛ شماره ۴، جلد ۵، آوریل ۱۹۶۰، صفحات ۲۶۱-۲۷۳ پژوهش در تولد (۱۱۹۷) وفات (۱۲۳۶؛ ۱۲۳۴؛ ۱۲۴۰ در نوسان) نگارش یافته است. - از ترجمه آن در مقاله استفاده نموده ایم. این پژوهش تحلیلی-توصیفی با استناد به آثار کتابخانه‌ای؛ بر پایه اصل اثر و شواهد مستخرج از آن و نیز تذکره‌ها بوده است. برای پرهیز از تکرار؛ و بسبب فقدان عنوانبندی غزلیات از سوی کاتب؛ در ارجاعات درون متنی، ناچار؛ بشماره صفحه نسخه اکتفا شده است.

۵- سبک‌شناسی غزلیات فارسی طالبعلی لکهنوی

۵-۱- **سطح زبانی:** در مورد سبک زبان‌شناسی دوره بازگشت ادبی سخنها بسیار است. غلامرضایی ضمن توصیه به بررسی دقیق زبان شاعران عصر بازگشت نوشته است: "زبان اینان آمیخته‌ای است از زبان شاعران سبک عراقی و مکتب وقوع و گاه گاه تأثیر لحن و شیوه سبک اصفهانی نیز در شعر آنان مشهود است." (سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد: ۴۴۴). غزل عیشی به پیروی از این تنوع سبکی دارای مختصات زیر است:

۱-۵- تکرار واژه:

در غزل طالب علی خان به دو صورت رخ نموده است:

الف) همخوانی و همصدایی (واج آرایبی):

- میکشان عشق را باکی ز ر ستاخیز نیست

غلغل صحرای محشر قلقل مینای ما

(کلیات دیوان، ص ۳۹۷)

- گردنم را حلقهء تسلیم طوق بندگی است

عذر میگردد گره بر لب گنهکار مرا

(همان، ص)

ب) **تکرار در قافیه:** لغزش قافیه توسط کاتب یا شاعر بیش از ۱۳ مورد در غزلیات

عیشی دیده می‌شود:

چشم بر سیل است در بر رخنه دیوار مرا

-خانهء من قرعه بر بام خرابی می‌زند

جنبش موج هوا سیل است دیوار مرا

-چون حبابم طرح تعمیر از خرابی ریختند

(کلیات دیوان، ص ۳۹۷)

۲-۱-۵_ مختصات لغوی:

الف) حوزه لغات:

- لغات و ترکیبات میخانه‌ای: ساغر، مینا، باده، انگور، خمخانه، زنار و ...
- کلمات صوفیانه و عارفانه به اصطلاح اشارات: زلف، خضر، خط و ...
- الفاظ و ابزار ملی، سیاسی و جنگی: خنجر، نیام، پرچم، کشور.....
نوای همت ما برتر از سپهر زدند جهان و هرچه درو هست ظل پرچم ماست
(کلیات دیوان، ص ۴۲۴)

_ واژه‌های اساطیری: رستم دستان، اسکندر، پری، فغفور، طلسم و ...
_ لغات متروک و کهن: مروحه، اسطقس، فتراک، دلفگار، برسَم و ... که کاربرد آن‌ها در آداب و فرهنگ ایران است و بکارگیری آن برای شبه قاره مایه شگفتی و ناظر بر علاقه درونی شاعر به ایران باستان و کلمات دخیل است:

اسطقس آتشین، در تن گل جوش زد لطمه موج صبا مروحه جنبان رسید
(کلیات دیوان، ص ۴۴۵)

برسم خدمت بکف زند طرب در کنف همچومغان باغبان خوش به گلستان رسید
(کلیات دیوان، ص ۴۴۵)

- الفاظ و اصطلاحات موسیقایی: ارغنون، تار، زخمه، پرده، نغمه و ...
دو واژه "آیینه" و "بازار" پر بسامدترین در غزل عیشی است. آیینه از جمله شاخصه‌های ابزاری سبک هندی است که هم جلای ظاهر را می‌نماید و هم نمای باطن. بیدل را شاعر آیینه‌ها می‌نامد و در شعر صائب و غنی کشمیری فراوان از "آیینه" مضمون سازی شده است. (ر.ک. محمودی، بررسی مضمون آیینه در شعر غنی کشمیری: ص ۳۱۶)

تقدیر که از کدورت دل ریخت رنگ من خاکم کجا ز آینه زنگار می‌برد
(کلیات دیوان، ص ۴۵۱)

به میدان شهادت هاتفی غیبی ندا میزد بیا ای نقد جان بر کف که بازار وفا گرم است
(کلیات دیوان، ص ۴۳۲)

- واژه‌هایی که به عنوان نور تجلی برای بیان مقصود شاعر در غزل تکرار شده‌اند: شمع، فانوس، برق، چراغ، کوب، سُرْمه، شعاع، مهر، ماه، خور، عنقا و عشق هستند.
ب) حوزه تعبیرات: عیشی با نفوذ در مناسبات فلسفی اشیاء در طبیعت؛ آفرینش‌های بلاغی معقد از تجربه‌های روزمره دارد، مثلاً مناسبت "ماه و کتان":

رشته خط شعاع خور شود تار کتان پرده از رخ برفتد گر ماه سیمای مرا
(کلیات دیوان، ص ۳۸۶)

خانه جاروب کردن به موی سر:

مایه آشوب عالم خاطر غمناک ما
سوز دل در سینه ما بسکه رنگ داغ ریخت
آفتاب صبح محشر ذره ای از خاک ما
رخنه دیوار گلشن گشت جیب چاک ما
عقل گل مستانه میغلطد بزیر تاک ما...
(کلیات، ص ۳۹۹)

۵-۳-۱- تحلیل آوایی

الف) سبک شناسی موسیقی کناری غزل عیشی

شفیعی کدکنی جلوه‌های موسیقی کناری را علاوه بر قافیه و ردیف، تکرار و ترجیعه‌ها برمی‌شمارد. (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۹۱). خسرو فرشیدورد در تعریفی متفاوت «مراد از موسیقی، وزن و قافیه و تناسب حروف» میداند. (سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، فرشیدورد، ج ۱: ص ۳۱). مایاکوفسکی قافیه را چفت و بست شعر تلقی میکند. (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۸۲). ه. شترودی در مقاله‌ای «همآهنگی الفاظ (تنالیته) را که به صورت قافیه بروز میکند نتیجه متشکل شدن احساس گوینده» میداند. (همان: ص ۸۱). در آراء فلاسفه که چندان هم به شعر نظر آشتی جویانه‌ای نداشته‌اند، رد پای این تفکر، که سریان نغمه کائنات در شعر مشحون است؛ دیده می‌شود. فارابی وزن شعر را «از مقایسه آن با ایقاعها در موسیقی بدست میدهد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۳۲۹). در تعریف وزن؛ سخنها بسیار است؛ که تنها به عبارت «تقارن و هماهنگی در اصوات و الفاظ» اکتفا میکنیم. (عروض وقافیه، کرمی: ص ۱۴). پژوهشها در اوزان غزل متنوع است. خانلری بیست وزن پرکاربرد را در ۲۰۹۹۶ غزل از ۵۱ شاعر قرن ششم تا قرن سیزدهم سنجیده است. (بررسی آماری اوزان غزلهای بیدل دهلوی و مقایسه آنها با وزن غزل فارسی و سبک هندی، کهدویی، محمد کاظم. کمالی، مهدی. الهام بخش، سید محمود : ۱۰۸) ساتن ۲۷ وزن را که در کل غزلها کاربردشان بیش از یکدرصد بوده معرفی و درصد کاربردشان را ذکر کرده است. (ELWELL-, The fersian meter, Sutton.f page 163-166). شمیسا در سیر غزل به ضعفها و ابهامات اشاره کرده است. (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ص ۲۲۰-۲۳۰). داریوش صبور در آفاق غزل فارسی، دوره‌های مختلف غزل فارسی و تحوّل آنها را بخصوص در سبک هندی آمارگیری نموده است. (رک: آفاق غزل، صبور: ۳۰۳). در این تحقیق از یافته‌های آماری ایشان استفاده خواهیم نمود. در غزلیات طالب علیخان، کشش آوایی موسیقی کناری اغلب بر دوش «ردیف» گذاشته شده است. زیرا از مجموع ۲۰۳ غزل وی تعداد ۱۹۶ غزل مردفاند و تنها ۷ غزل بدون ردیف سروده شده است؛ یعنی تنها ۳/۵ درصد از غزلهای عیشی بدون ردیفاند. گاهی حروف آواساز ردیف به ده واج هم میرسد. ترکیب عددی ۹۶/۵۵ درصد غزلیات مردّف کلیات دیوان عیشی به شرح زیر آرایش یافته است:

جدول ۱- (میانگین ترکیب عددی ردیف در غزل عیشی)

واژه	ضمیر و ضمیر با نشانه‌ را	فعل و ترکیبات فعلی	حرف	ضمیر با نشانه‌ را	فعل و ضمیر
شمارش	۳۲	۱۳۳	۸	۱۶	۷
درصد	۱۵/۷۵	۶۵/۵۱	۳/۹۴	۳/۴۴	

کدکنی ردیف را جزئی از شخصیت غزل دانسته؛ اشاره میکند؛ «اگر شاعری بزرگ خواسته غزلی ببردیف گوید موسیقی ردیف از رهگذری دیگر در شعر ایجاد کرده است» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۱۵۶). جریان تکامل غزل عیشی از سبک هندی عبور کرده و مرحله موسیقی غزلیات حافظ را در بحث ردیف تجربه مینماید. جدول زیر کمترین سهم طالب علی خان در سرودن غزل بدون ردیف را؛ نشان میدهد:

جدول ۲- (نمای غزل‌های بی‌ردیف عیشی در مقایسه با یافته‌های کدکنی و دیگران)

شاعران معروف غزلسرا	تعداد غزل	غزل‌های بی‌ردیف	میانگین درصد
عیشی	۲۰۳	۷	۳٪/۵
سعدی	۵۰۸	۹	۶٪/۴
حافظ	۵۵۰	۷۵	۷٪/۴
خاقانی	۳۰۰	۲۲	۱۳٪/۶
باباغانی	۵۵۰	۷۵	۷٪/۴
نظامی*	۲۳۴	۱۰۳	۳۳٪

با مشاهده فراوانی ردیف‌های فعلی در جدول ۱، بنقش تعادل‌سازی آوا و معنا در غزل عیشی پی می‌بریم. غزل عیشی سند اقتدار اندیشه عرفانی در زبان فارسی شبه قاره است و زبان شیعی وی نشان روابط نزدیک ایران و ناحیه سند و هند و یادآور غلبه مسلمانان ساکن آسیای مرکزی است که از قرون دوازده و سیزده در آنجا جایگزین شده بودند. در پاکستان زبان اردو زبان ملی بوده است و زبان اردو وامدار زبان و ادبیات فارسی. تا مدتی پیش از قرن غزلسرای طالب علیخان و نیز تا قبل از قرن نوزده در صنایع شعر؛ مخصوصاً غزل بوده

^۱ - آمار غزلیات نظامی را از مقاله بررسی سبک غزلیات نظامی گنجوی، نوروزی و حسین‌زاده، (۱۳۹۲)، فصلنامه تخصصی بهار ادب، شماره ۲۱، ص ۵۱۷ اخذ شده و نیز یافته‌های دیگران از شفیع کدکنی در کتاب موسیقی شعر، ص ۱۵۷.

و این مهم حتی تا زمان اقبال لاهوری؛ از نظر تأثیرپذیری قابل بررسی هست. مضمون و سبک برخی غزلیات عیشی، تجلی گر واژه‌هایی شده است که در سلوک شعر حافظ میتوان کشف کرد:

راه رو گر همه خضر است برد غول ز راه
از چراغی که برافروخته در سینه ما
نازپرورده عشقیم و جنون پیشه ما
عقل کل سنگ ملامت خور اندیشه ما
(عیشی، دیوان: ص ۳۹۸)

حافظ می‌گوید:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت
رهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش
کافرست
(حافظ: ص ۶۵۴)
عقل می‌خواست کزین شعله چراغ
برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد
افروزد
(همان: ص ۳۸۶)

تنوع ساختار ردیف در غزل طالبعلی خان عیشی؛ بین ضمیر و حرف، فعل یا ترکیب فعلی یا ضمیر و نشانه "را" در گردش است. تعداد ۱۳۳ ردیف فعلی گواه تکاپو و حرکت سنگین سلوک وی است. علاقه طالب علیخان به ضمائر جمع، نشان رهايش از خود و تمایل پنهان بجمع است. حدود ۳۰ ردیف فعلی «ربط» نشان گرایش بسادگی زبان و آزادسازی معنی در هست و نیست جهان است. نبود تقریباً هیچ مورد از ردیف اسمی نشان التفات وی بجلوه‌گاه معنی در ردیفهای فعلی با طنطنه سنگین آواست.

در بسیاری از فرهنگستانها؛ زبان فارسی را مادر زبان اردو و دختر زیبای هند میدانند. (ر.ک: شریانهای حیاتی زبان فارسی در قلب شبه قاره، نعمت الله پناهی، ۹۷/۴/۲۰) طالب علی خان از یک سو دوره تسلط انگلیسیها را بر منطقه هند و پاکستان درک نموده؛ از سویی دیگر به دلیل آنکه هنوز نشانه‌هایی از مکتب وقوع و سبک هندی را در ادبیات میگذراند متعلق به دوره گذار است.

ب) سبک شناسی موسیقی اوزان در غزل عیشی

در زیر نمونه‌های محتوایی سه وزن پر بسامد از غزلیات عیشی را می‌آوریم:

۱- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنی محذوف)

نامرادی را جگر خون میشود بر حال ما
وحشت از آینه بیرون میبرد تمثال ما
(کلیات دیوان: ص ۴۰۴)

غزل صفحات: ۳۹۰، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۴، ۳۷۷، ۳۷۴ و ۴۳ غزل دیگر در همین وزن سروده شده اند.

۲- فاعلاتن فَعَلاتن فَعَلاتن فعلن (رمل مثنی مخبون محذوف مقصور)

پرکاربردترین وزن پس از رمل مثنی محذوف در این بحر است. که غزل زیر تا ۳۷ غزل دیگر را در بر میگیرد.

ای به درد تو نهان دارد بیماری ما بیخودی ساغر سرشار تو ه شیاری ما

(همان: ص ۳۷۳)

غزل صفحات: ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۹، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۱۰، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷ و ...

۳- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنیٰ سالم)

به هجر ار سخت جانی ریخت بر خاک آبرو مارا کجا تیغی که آب رفته بازآرد به جو ما را

(همان: ص ۳۹۳)

و نیز صفحات: ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۱، ۴۳۸، ۴۴۴ و تا ۳۱ غزل دیگر.

بحر رمل مثنیٰ محذوف و ۵ وزن دیگر؛ از جمله اوزان پرکاربرد نیمه اول قرن هشتم تا قرن دوازدهم است که حافظ شیراز والاترین نماد سرایش آن شناخته میشود. با توجه بجدولهای آماری که در این پژوهش بدست آورده‌ایم، هجاهای کوتاه و بلند و خفیف، تعداد ۶ وزن زیر؛ که بیشترین آمار سرایش غزل عیثی را به خود اختصاص داده است، روال استفاده به ترتیب اوزان؛ از متوسط ثقیل به سمت متوسط خفیف است؛ و در متوسط ثقیل رو به تزاید میگذارد:

الف) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثنیٰ محذوف) ۵۵ غزل و ۲۷/۰۹٪ متوسط ثقیل

ب) فاعلاتن فَعَلَاتن فَعَلَاتن فعَلن (رمل مثنیٰ مخبون محذوف) ۳۸ غزل و ۱۸/۷۱٪ متوسط خفیف

ج) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنیٰ سالم) ۳۱ غزل و ۱۵/۲۷٪ بلند ثقیل

د) مفعولُ فاعِلاتُ مفاعیلُ فاعِلن (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) ۲۰ غزل ۲۷/۰۹٪ متوسط ثقیل

م) مفاعِلن فَعَلَاتن مفاعِلن فعَلن (مجتث مثنیٰ مخبون محذوف) ۱۷ غزل ۸/۳۷٪ متوسط خفیف

ن) مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف) ۱۲ غزل ۵/۹۱٪ متوسط ثقیل

این روند از سبک کلام نشان میدهد، ظرفیت محتوایی غم و اندوه، و راز و رمزهای نومیدی و ناکامی، منبعث از تیره‌روزیها، سرگردانی، درماندگی و حیرانی شاعران عارف، دوباره در منطقه شبه قاره از جمله هند و ایران به غزل طالب علی‌خان لکهنویی بازگشته است. نزدیکترین شاعر مسلمان از نظر زمان، که حجم غزلیاتش (تعداد ۳۳۴) و تنوع اوزانش با غزلیات عیثی در تعیین سبک قابل مقایسه است؛ میرزا اسدالله خان دبیرالملک متخلص به غالب (۱۲۸۵ هـ.ق - ۱۲۱۲) است که؛ مانند وی از نویسندگی در کنار شاعری فارسی و

هندی برخوردار بوده است. در جدول ۳ غزل عیشی و غالب، کاربرد دو بحر رمل و هزج، در مقایسه با سبک هندی و غزلیات فارسی تحلیل میشود:

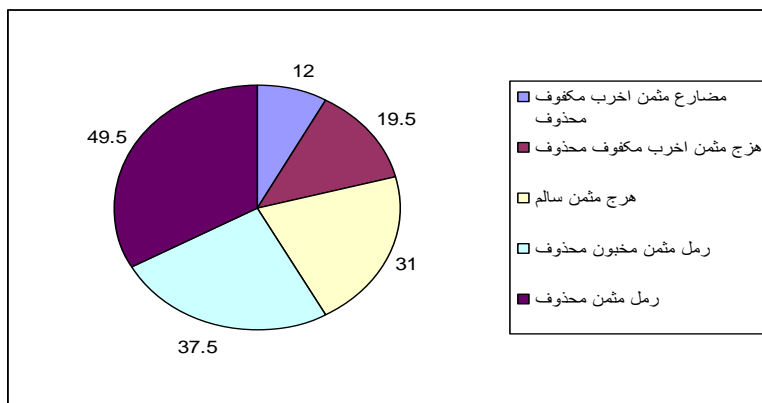
جدول ۳

مقایسه آماری ۱۳ وزن غزلیات طالب علی خان با هم عصر خود (غالب دهلوی) و فراوانی نسبی آن در غزلیات سبک هندی و غزل فارسی

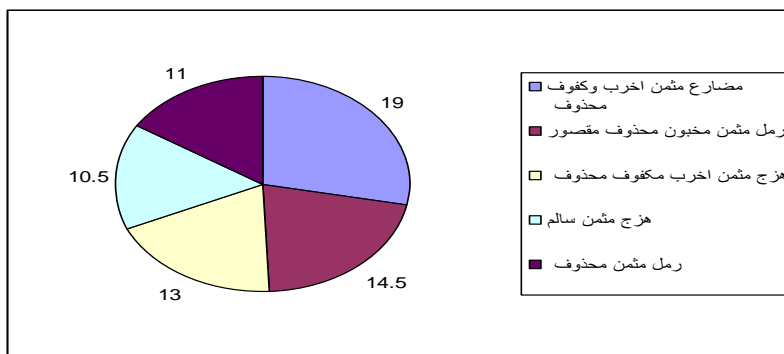
ردیف	وزن و بحر	فراوانی در غزل عیشی	فراوانی در سبک هندی	فراوانی در غزل غالب	فراوانی نسبی در غزل فارسی
۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۷/۰۹	۲۰/۱۲	۱۰/۷۸	۱۴/۶
۲	فاعلاتن فَعَلاتن فَعَلاتن فَعَلن	۱۸/۷۱	۱۲/۴۲	۱۴/۶۸	۱۳/۵
۳	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	۱۸/۲۷	۱۰/۸۹	۱۰/۷۸	۸/۴
۴	مفعولُ فاعِلاتُ مفاعیلُ فاعِلن	۹/۵۸	۱۶/۰۹	۱۸/۸۶	۱۴/۸
۵	مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلن	۸/۳۷	۱۶/۰۹	۱۶/۱۷	۱۳/۵
۶	مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولن	۵/۹۱	—	۱۳/۱۷	۶/۹
۷	فاعلاتن مفاعِلن فَعَلن	۱/۹۷	۴/۴۴	۱/۸۰	۲/۹
۸	مفعولُ مفاعِلن فَعولن	٪. ۹۸	۲/۲۳	۰/۶۰	۲/۷
۹	مستَفعلِن مستَفعلِن مستَفعلِن مستَفعلِن	٪. ۹۸	۰/۹۱	۱/۵۰	۱/۸
۱۰	فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن	٪. ۴۹	۰/۶۰	—	۰/۶
۱۱	مُفتَعِلن مفاعِلن مُفتَعِلن مفاعِلن	٪. ۴۹	۰/۲۷	۲/۱۰	۱/۳
۱۲	مُفتَعِلن فاعِلن مُفتَعِلن فاعِلن	٪. ۴۹	۰/۳۸	۲/۶۹	۱/۶
۱۳	مفاعیلن مفاعیلن فَعولن	٪. ۴۹	۴/۴۴	۱/۵۰	۲/۹

^۱ - آمار اوزان سبک هندی؛ فراوانی در غزلیات غالب دهلوی و فراوانی در غزل فارسی را از مقاله (نجاریان و غضنفری؛ ۱۳۹۲؛ ص ۱۵۴) استناد نموده ایم.

شکل زیر؛ مرز سبک ساز و تشخیص غزل طالب علی خان را آشکار می‌سازد:



همین اوزان را با غزل غالب دهلوی مقایسه نموده ایم:



با دقت در منحنی اوزان؛ رابطه سبکی معکوسی کشف می‌شود که میتوان آن را شاخص سبکی غزلیات طالب علی خان بشمار آورد.

۴-۱-۵- سبک آوای غزلیات عیثی: اوزانی که میزان کاربرد طالب علیخان (عیثی) از آنها با میزان کاربرد معیار تفاوت داشته باشد؛ استفاده سبکی بحساب می‌آید، که خود هم به اوزان کمتر از سطح معیار گفته میشود و هم به اوزان فراتر از سطح منطقی تحولات وزنی. تقسیم بندی سومی خارج از این شیوه وجود نخواهد داشت زیرا؛ در غزلیات عیثی هیچ وزن نادری که بتواند به ارزش وزنی غزل بیرون از چهارچوب تقسیمات خانلری، ساتن و معا صرتر تقی وحیدیان کامیار بیفزاید تجربه نشده است. به علت طبع آزمایشی عیثی در غزلیات اندک نسبت به سایر غزلسرایان؛ چنانکه بیدل با ۲۸۵۸ غزل در ۳۲ وزن و گونه وزنی ۶۲ زحاف؛ صائب ۷۰۴۵ با گونه وزنی ۲۹ و ۴۹ زحاف؛ (ر.ک: بررسی میزان تأثیر

محتوایی اشعار بر انتخاب وزن در قصاید فارسی پیش از مغول، کرمی و مرادی: ۳-۵، و نیز، بررسی آماری اوزان غزلهای بیدل دهلوی و مقایسه آنها با وزن غزل فارسی و سبک هندی، کهدویی و دیگران: (۱۱۱). عیشی؛ تنها ۲۰۳ غزل در ۲۰ گونه‌ی وزنی با کمتر از ۱۰ زحاف؛ رتبه‌ی قابل توجهی کسب نمی‌نماید. نکته دیگر پرکاری شاعران سبک هندی در سرودن غزل؛ کم‌کاری شاعران سبک بازگشت که سنت ادبی است و بر طالب علیخان ایرادی وارد نیست، چنانکه مثلاً طیب با ۱۶۰ غزل و هائف اصفهانی با ۹۰ غزل (بررسی میزان تأثیر محتوایی اشعار بر انتخاب وزن در قصاید فارسی پیش از مغول، کرمی و مرادی: ص ۴) از شاعران سراسیمه سبک هندی به سبک بازگشت، بسیار کم‌کارتر از وی (عیشی) در غزل فارسی هستند.

۵-۱-۵- از دیگر ویژگیهای سبکی غزلیات عیشی؛ تعادل وزنی و یا تساوی کمی بین اوزان کوتاه و متوسط ثقیل است.

۵-۱-۶- دو وزن سبک ساز دیگر که عیشی لکهنوی در آن طبع آزمایی نموده است، « هج مثنی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)» و مضارع مثنی اخری مکفوف (محذوف) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن هستند. که اولی از اوزان بلند ثقیل و دومی متوسط ثقیل است که از وزن متوسط خفیف (مجث مثنی مخبون محذوف) که سبک‌ساز دوره بازگشت هستند سهم بیشتری به خود اختصاص داده‌اند.

۶- سطح ادبی

۱-۶- بیان

عیشی از علم بیان تشبیه را به افراط رفته، استعاره را به شخصیت اشیاء و کنایه نیز به ضرورت مراد توشه برداشته است. در جدول ۴ پرکاربردترینها را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۴

صنایع بلاغی	بسامد یا شمار	درصد فراوانی
تشبیه	۱۱۷	۶۷/۶
استعاره	۴۱	۲۳/۶
کنایه	۱۵	۸/۶۷

تشبیهاتی چون: قلزم عفو، شعله‌آواز، خضر همت، مشعل شوق، چراغ ساغر، فانوس خیال و ... تشبیهات بلیغ، تشبیه تلمیحی، تشبیه تفضیل، تشبیه تمثیل و تشبیه جمع: بهار آتشم گلزار برقم نوگل داغم نیارد لطمه باد خزان کز آبم اندازد (کلیات دیوان، ص ۴۵۷)

استعاره: مواد استعاره در غزل عیشی عناصر طبیعت و در استعاره مصرحه لغات کلیشه چون: ماه، غزال، نرگس، ستاره و اعضای پیکر انسانی است (رگِ سنگ):

در دل سنگین خوبان رنگ تأثیری نرُست گرچه آهم نشترِ گهای سنگِ خاره بود
(کلیات دیوان، ص ۴۴۳)

غبارم خاطر بلبل نمیگردم درین گلشن بگلها دستبازی چون صبا از من نمی‌آید
(همان، ۴۶۰)

کنایه: عیشی از بلاغت کنایه برای شکایت از روزگار، تلخی بخت، حسرت گذشته، مجال انتقام، بهره می‌جوید:

مرا بحال تو ای چرخ گریه می‌آید که شیشهء تو ز طاق بلند افتادست
(کلیات دیوان، ص ۴۳۵)

مصرع دوم کنایه از نسبت رسوایی به چرخ روزگار است.

۲-۶- بدیع لفظی و معنوی: آرایه های بدیع لفظی و معنوی در خدمت روح متعالی شاعر و مضامینی که بر میگزیند نیز نشأت گرفته از جان عارفانه اوست؛ که هرچند تکرار در بازگشت مفاهیم شاعران گذشته است اما؛ به هیچ روی ملال آور و نا دلخواه نیست:

۱-۲-۶- بدیع لفظی: عیشی آرایه های بدیع لفظی " واج آرایی " و " تکرار " بیش از همه برای حفظ روابط آوایی غزل بکار برده است. نمونه را در واجهای " د " ، " ر " ، " س " و مصوت کوتاه کسره می آوریم:

" میگردد آبِ رخم بچشمِ طیبِ من دردا که دردِ دل ز مداوا گذشته است "

(کلیات، ص ۴۲۶)

" سر بر سرُ بر سنگ زدم بسکه بشوقت در کویِ تو سنگی که بخون پاک بود نیست
" (همان، ص ۴۲۰)

۲-۲-۶- بدیع معنوی: پر تکرار ترین آرایه معنوی بدیع در غزلیات عیشی، تلمیح، پارادوکس، تضاد، تناسب و مراعات نظیرند. پس از اینها؛ آرایه های بدیعی دیگر چون: استخدام، اسلوب معادله، ایهام، ایهام تناسب و اغراق بچشم میخورند. بنمایه های تلمیح نیز اغلب؛ آیات قرآنی و شاخصان پیغمبرانی چون؛ موسی(ع)، یعقوب(ع)، یوسف(ع) و نوح(ع) هستند، که نمونه هایی در زیر می آوریم:

- **استخدام (نی):** گر بوصفِ لعلِ نوشینِ تو حرفی سرکنم چون نی شکر حلاوت جوشد
از لبها مرا (کلیات، ص ۳۸۷)

- **اسلوب معادله:** دشمنی با دوستداران جور بر خود کردن است شمع میسوزد گراآتش
میزند پروانه را (کلیات، ص ۳۹۰)

- **مراعات النظیر یا تناسب:** تا کلیسا است مقامم نوازم ناقوس تا حرم منزل من بود
مسلمان نشدم (کلیات، ص ۵۰۱)

- **ایهام:** کوه کندیم به سودای لب شیرینی میچکد آب حلاوت ز دم تیشه ما
(کلیات، ص ۳۹۸)

- **ایهام تناسب:** آن نغمه که در پرده **قانون** ازل بود مطرب بچه از پرده اش در چنگ
بر آورد (کلیات، ص ۴۴۳)

- **پارادکس:** تلخ کامان وفا درد بدرمان ندهند کا سه زهر به سرچشمه حیوان ندهند
(کلیات، ص ۴۴۹)

- **تضاد:** سازو کار آفرینش آرایه "تضاد" در غزل عیسی بر انگیزخته از اندیشه بنیادین وارکان
اربعه هستند:

- "بیکسیهیم در آغوش زمان پرورده است آب داد از موج آتش باغبان خار
مرا" (کلیات، ص ۳۹۷)

- **تلمیح:**

خوف عذاب و بیم جهنم بیک کنار امید جنت است عذاب الیم ما
(کلیات دیوان، ص ۳۷۵)

زدیم کشتی خود را بجوش طوفانی که نوح هم نتوانست ناخدایی ما
(همان، ص ۳۷۶)

- **لف و نشر:** رخ زآشفتن زلف سیهش بیخبر است صبح عشرت چه غم شام غریبان
دارد (کلیات، ص ۴۵۳)

- **اغراق:** سرخوش از باده چو آن مست ادا میگردد در کفم دست سبو دست دعا
میگردد (کلیات، ص ۴۵۵)

- **تمثیل:** یار بزم افروز شد فانوس را آتش زنید کامشب از شادی نمیگنجد به پیراهن
چراغ (کلیات، ص ۴۷۶)

در مورد تمثیل اشیاء و قندیل در آستینهایی که کوتاه میدوختند؛ قرار دادن، و چراغ در
دامن یا زیر دامن پنهان کردن، شمیسا مینویسد: "گاه چراغ را چون شمع در زیر دامن قرار
میدادند که خاموش نشود." (فرهنگ اشارات، ج ۱، شمیسا: ۳۵۱) و بیستی از صائب تبریزی در
اضطراب شمع آورده است:

"پنبه از داغِ دل بیطاقَتِ ما بر مدار / این چراغِ مضطرب در زیر دامن خوشتر است
 (همان)"

۷- سطح فکری:

عیشی در سبک اندیشه، شیفته غزل‌های کلیم است:

عیشی شیفته نظم کلیم که گفت / نیلگون شد فلک از تیرگی اختر ما
 (کلیات دیوان، ص ۳۹۶)

وی به علوم طالع‌شناسی، متافیزیک و نجوم معتقد، شاعری معاداندیش و دارای ذهن کاملاً فلسفی است. گرفتار عشق و شور و شر هستی است. در مذهب معتقد به سیره امامان شیعی علیهم‌السلام؛ وسخت به سیره و آیین آن بزرگواران پایبند است، غزل- مرثیه‌ها ی سرمستانه وی حاکی از عمق ارادت به سیدالشهدا و اهل بیت عصمت و طهارت است:

"مستی ما می پرستان از شرابِ دیگر است / موجِ کوثر میفروشد خوشهای تاکِ ما
 (کلیات، ص ۳۹۹)

و بکارگیری الفاظ آیینی نشان اشتیاقش به پیروان زبان فارسی در ایران است:

"آتش ز نم بکوکبِ طالع ز برقِ آه / روشن کنم مگر شبِ یلدايِ خویش را
 (کلیات، ص ۳۹۹)

طالبعلیخان عیشی مانند صائب مسلکی خود باور دارد: «چون حباب از شیشه می‌سازیم نام خویش را» (همان، ص ۴۰۰). در موسیقی شعر سبکی حافظانه دارد:

نفسِ باد صبا نغمه سرا می‌آید / نگران اشک چمن گوش به فریادم کرد
 (کلیات دیوان، ص ۴۶۵)

مانند کلیم از بخت و گردش روزگار مأیوس است، آنچه در مورد کلیم گفته‌اند: «اندوه او نه از زندگی روزمره که از بنیاد جهان است» (سبک هندی و کلیم کاشانی، لنگرودی: ص ۱۲۲) نگرانی تراژیک عیشی همین است. وحدت وجودیست. عقل دوربین کار او را مشکل ساخته، عارفی عاشق و خسته از جور زمانه است. خاطر تعلق به هیچ چیز و هیچ کس ندارد: «شستم از لوح تعلق نفسِ نام خویش را» (کلیات، ص ۴۰۰). قضا و قدر یست: «گنبد گردون بکامم گرنگرد گو نگرد» (همان، ص ۴۴۳) یا:

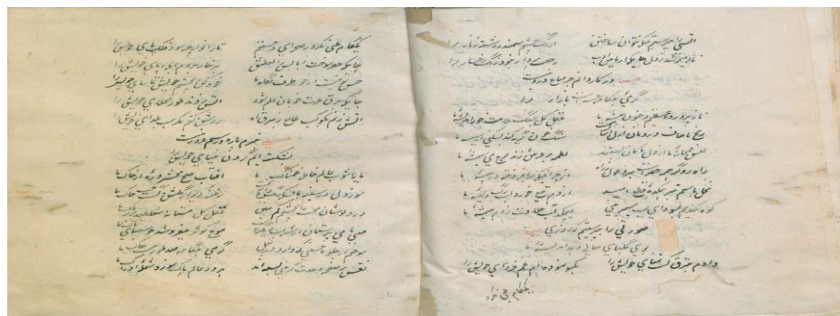
"من بطفلی هم ندیدم از فلک آسودگی / جمبش گهواره ام از گردش ایام بود"
 (کلیات، ص ۴۴۷)

بیقرار رسیدن است «بادبان در کشتی من کار طوفانی ...» (ص ۴۳۶) و منتظر وصال. عشق او آسمانیست و سوخته انتظار:

برفکن ساقی ز روی همچو ماه خود نقاب می بساگر کن که در برج حمل شد آفتاب
(کلیات دیوان، ص ۴۱۳)
عاشق خسته شناسد که بود در شب وصل لطف اقرار دگر؛ لذت تکرار جدا
عیشیا روزی ما هجر مبدا که گهی بلبل می را ننمودیم ز گلزار جدا
(کلیات دیوان، ص ۴۱۲)

نتیجه:

نسخه کلیات عیشی، سالهاست که ناشناخته مانده است. سبک غزلیات وی از نظر ادبی گنجینه ای میراثوند در تبادل زبان فارسی شبه قاره و ایران محسوب میگردد. غزل پرشتابترین قالب شعری است؛ که به سبب شنود احساس؛ لحن و موسیقی را بیشتر از قالبهای دیگر از خود بروز میدهد. عیشی با سرودن ۱۳۳ غزل مردف با ترکیبات فعلی؛ مهارت خود را در عرصه غزل ملهون و موسیقی کناری به اثبات رسانده است. آمار بدست آمده از این تحلیل؛ حاکی از تمایل شاعر به سبک و سیاق محتوایی بازگشت است. در جهان اندیشه؛ عیشی ذهنی کاملا فلسفی دارد. سبک بیان وی در غزل گاهی میخانه ای، زمانی بارگرفته از محسوسات و تعبیرات ملموس و نه کوچه و بازاری که انگیزه ابتدال داشته باشد. و در بیشتر غزلها ضمن شکایت از بخت و روزگار، و گله از هجرونا کامیهای عرفان شخصی؛ اشتیاق به و صلوات عهده را دنبال میکند. زبانی سلیس دارد؛ اما بیان معنوی او خالی از تعقید نیست، در غزلیات؛ لغات عربی به عکس نثرش اندک است. از غزلیات شاعران قرن هشتم چون کمال خجندی که عیشی در دیباچه کلیات دیوان خود از او یاد کرده است؛ و از غالب دهلوی در قرن سیزده که به فاصله اندک از زمان عیشی قرار گرفته؛ و نیز کلیم کاشانی و در موسیقی از خواجه حافظ شیراز اثر پذیرفته است. عیشی بر خلاف غالب دهلوی تمایلی بسرودن غزل در محور دو پاره و پرتحرک ندارد. میزان اوزان کوتاه وی ۷ بحر است. و بسبب این که بجای علاقه به اوزان متوسط خفیف که در غزل سایر شاعران سبک بازگشت وجود دارد او شاعری ثقیل سراسر است؛ و سبک خاصی را متفاوت از سبکهای معمول در غزل دنبال نموده است. "تشبیه" افراطی ترین صنعت بلاغی او است و در بدیع تضاد و تناسب را بر میگزیند. تلمیح به آیات و احادیث مرز اعتقاد و اشتیاق وی به زبان فارسی است. وی از نظر موسیقی غزل؛ متعلق به دوران گذار از سبک هندی بدوره بازگشت است. و از استعارات باریک و تخیلات پیچیده برنگ شاعران سبک هندی بتدریج انصراف داده؛ با درون مایه های عرفانی بزبان موقر و متناسب با مفاهیمی که گویای تفرّد و سلوک خاص معنوی اوست بموسیقی متعادل غزل فارسی و نهایتا سبکی منفرد از همعصران جریان ساز غزل، روی آورده است.



منابع و مأخذ:

- ۱- آیین‌خانه (بررسی مضمون آیین‌در شعرغنی کشمیری)، محمودی، مریم. (۱۳۹۲)، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره چهارم، پیاپی ۲۲؛ ص ۳۱۶
- ۲- آفاق غزل فارسی، صبور، داریوش. (۱۳۸۴)، چاپ دوم، تهران: انتشارات زوآر.
- ۳- بررسی آماری اوزان غزل‌های بیدل دهلوی و مقایسه آنها با وزن غزل فارسی و سبک هندی، کهدویی، محمد کاظم. کمالی، مهدی. الهام بخش، سید محمود. (۱۳۸۸)، مجله فنون ادبی، علمی پژوهشی، دانشگاه اصفهان، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- ۴- بررسی آماری اوزان غزل‌های غالب دهلوی، نجاریان، محمد رضا؛ غضنفری؛ مریم. (۱۳۹۲)، فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره ۲، پیاپی ۹، صص ۱۴۹-۱۶۰
- ۵- بررسی سبک غزلیات نظامی گنجوی، نوروزی، زینب و حسین‌زاده، محبوبه. (۱۳۹۲)، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، بهار ادب، سال ششم، شماره سوم، شماره پیاپی ۲۱، ص ۵۳۳-۵۱۵.
- ۶- بررسی گونه‌های وزن در غزل شاعران بزرگ سده‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، کرمی، محمد حسین و مرادی، محمد. (۱۳۸۹)، فنون ادبی، سال دوم، شماره ۲ پیاپی ۳، صص ۱۸-۱.
- ۷- بررسی میزان تأثیر محتوایی اشعار بر انتخاب وزن در قصاید فارسی پیش از مغول، کرمی، محمد حسین و مرادی، محمد. (۱۳۹۵)، فنون ادبی، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۱۷، صص ۳۲-۱۷.

۸- سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۸)، تهران: نشر جامی.

۹- سبک هندی و کلیم کاشانی (۱۳۶۹). لنگرودی، شمس. نشر مرکز، چاپ دوم، تهران.

۱۰- سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷)، نشر جامی، چاپ اول، تهران

۱۱- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶)، چاپ هفتم، تهران: نشر: علم.

۱۲- شاخ نبات حافظ، برزگر خالق، محمدرضا، ۱۳۸۲، چاپ اول، انتشارات زوآر، تهران.

۱۳- شریان‌های حیاتی زبان فارسی در قلب شبه قاره، پناهی، نعمت الله، <http://www.pishkhaan.net>، ۱۳۹۷/۴/۲۰، ©2012-2018 ، پیشخوان روزنامه

خراسان.

۱۴- طالب علی عیسی (مقاله به زبان اردو)، قیصر آمرهوی، سیدحسن. (۱۹۶۰)، مجله‌ی معارف، دارالمصنفین شهر اعظم گجرات هندوستان، شماره ۴، جلد ۵، آوریل ۱۹۶۰، شماره ۵، جلد ۵، صفحات ۲۶۱-۲۷۳ و می ۱۹۶۰، صفحات ۳۸۹-

۱۵- فرهنگ اشارات، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷)، چاپ نخست ویرایش دوم، نشر میترا، تهران.

۱۶- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، چاپ ششم، تهران: آگاه.

۱۷- نسخه خطی دیوان عیسی به شماره، نسخه ی "کلیات دیوان طالب علی عیسی" به شماره ۱۶۳۴۲/۶۷۶ سنه ۱۲۳۲ه. ق مجلس شورای اسلامی (سنا).

18- The fersian meter, ELWELL-Sutton.f.(1976), Cambridge university Press.